کارگردانی پسر ساموئل خاچیکیان

پیش تولید فیلم سینمایی «بابا سیبیلو» به تهیه کنندگی احمد احمدی و کارگردانی ادوین خاچیکیان در ژانر کمدی خانوادگی از ابتدای خرداد آغاز شده است. با صدور پروانه ساخت باباسیبیلو،نخستین فیلم بلند سینمایی ادوین خاچیکیان، به‌زودی پس از پایان مراحل پیش تولید این فیلم مقابل دوربین خواهد رفت. باباسیبیلو یک فیلم کمدی خانوادگی است. ادوین خاچیکیان تنها فرزند زنده یاد ساموئل خاچیکیان است که در تعدادی از آثار پدرش به عنوان تدوینگر و دستیار کارگردان حضور داشته است./ جام جم‌دیلی

داوری شهاب حسینی در ترکیه

شهاب حسینی یکی از داوران جشنواره فیلم «مهاجرین گازیانتپ» ترکیه است. شهاب حسینی به همراه نوری بیلگه جیلان کارگردان ترکیه‌ای، دنی گلاور بازیگر آمریکایی، یوان چن بازیگر چینی، سندی پاول طراح لباس آمریکایی، لون شرفیگ کارگردان دانمارکی و امیر هادزی حافظ بگوویچ بازیگر بوسنیایی، فیلم‌های بخش مسابقه جشنواره مهاجرین گازیانتپ ترکیه را داوری می‌کنند. این رویداد به خاطر شیوع ویروس کرونا از ۱۴ تا ۲۱ ژوئن به‌صورت آنلاین برگزار می‌شود./ باشگاه خبرنگاران جوان



نمایی از فیلم عروس خوش قدم که امین حیایی در آن بازی موفقی ارائه کرد

به بهانه ۵۰ سالگی امین حیایی، با اصغر هاشمی، کارگردان اولین فیلمش (دو همسفر) حرف زدیم

رابرت دنیروی خودمان

علی رستگار
سینما

«سن که رسید به پنجاه» دست‌کم درباره امین حیایی که جواب نمی‌دهد و کارایی ندارد. می‌گویید نه، طراوت و شادابی و شوخ طبعی و بازیگوشی و جوانی چهره و روحیه‌اش را نگاه کنید. اگرچه مقایسه تصاویر و نقش‌های حیایی در آغاز دهه ۷۰ که کارش را شروع کرده بود، با چهره این سال‌هایش، به هر حال حکایت از عمری طی شده دارد، اما هنوز هم می‌توان چابکی و چالاکی را در گفتار و حرکات و نقش‌های او یافت. حیایی در همه سال‌های بازیگری گرچه قدر دید، به هنرمندی محبوب و مردمی تبدیل شد که این امتیاز کماکان به قوت خود باقی است و حتی با برخی نقش‌آفرینی‌ها در چند دوره جشنواره فیلم فجر تحسین شد و جایزه گرفت، اما این استعداد را داشت که نقش‌های بهتر و فیلم‌های مهم‌تری در کارنامه داشته باشد. ولی احتمالا ترجیح و علاقه خودش این بود که در سینمای بدنه، تجاری و سرگرم‌کننده، در نقش‌هایی تیپیکال، بامزه و سرخوشانه بازی کند؛ فیلم‌هایی که به لحاظ هنری و فرهنگی، ارج و قربی ندارند، اما تا دلتان بخواهد مردم با آنها خندیده‌اند و خاطره دارند. حیایی با نگاهی به بعضی از نقش‌های شوخ و شنگ فیلمفارسی، در گفتار و راه رفتن و نشست و برخاست به تیپ بامزه‌ای رسید و خودش به دلیل تکرار، آن را به کلیشه تبدیل کرد؛ البته کلیشه‌ای دوست داشتنی که حیایی بدش نمی‌آمد همان تیپ را با حذف و اضافاتی دوباره و چندباره جلوی دوربین بازی کند. این خواست تماشاگران هم بود که دوست داشتند حیایی در فیلم‌هایش، همان همیشگی باشد.

به بهانه آغاز ۵۰ سالگی امین حیایی، سراغ اصغر هاشمی، کارگردان سینما و تلویزیون و آثار خاطره‌انگیزی چون روزهای انتظار، زیر بام‌های شهر، مهریه بی‌بی و یک مشت پرعقاب رفتیم که ورود حیایی به سینما و تلویزیون با فیلم و سریالی به کارگردانی او اتفاق افتاد. ابتدای سال ۷۰، نقش جوان اول فیلم دو همسفر را بازی کرد و سال بعدش هم بازیگر سریال آپارتمان شد.

در فیلم دو همسفر به کارگردانی شما، دو بازیگر جوان و تازه وارد معرفی می‌شوند؛ امین حیایی و رضا شفیعی‌جم که البته اسم شفیعی‌جم در تیتراژ احمدرضا شفیعی نوشته می‌شود. ظاهرا ثریا قاسمی، حیایی ۲۱ ساله را برای بازی در این فیلم به شما پیشنهاد داد. درست است؟

بله همین‌طور است.

در آن دیدار اول، استعدادی در حیایی دیدید و نظری درباره‌اش داشتید؟

همان موقع که از او تست بازیگری گرفتم، به خودش گفتم تو رابرت دنیروی ایران می‌شوی! (می‌خندد) به رضا شفیعی‌جم هم گفتم که بازیگر موفقی می‌شود. البته به او گفتم که واکنش‌هایت بیشتر به درد فیلم‌های کمدی می‌خورد.

او هم حرف شما را گوش کرد و سراغ نقش‌های کمیک رفت.

خدا را شکر. این اتفاق برای آقای حمید لولایی هم افتاد. او آن سال‌ها مدیر سینما آزادی و خیلی علاقه‌مند بود که در سریال آپارتمان حضور داشته باشد. وقتی آمد و یکی از بازیگران آپارتمان شد، ایشان هم واکنش‌هایی کمیک داشت. برای همین ما هم حرکات نقش پلیس را کمدی کردیم. او به‌قدری در این نقش واکنش‌های بامزه‌ای از خودش نشان می‌داد که من هم فضا را به همان سمت بردم. در واقع توانایی‌های خود بازیگر، چنین موقعیتی را ایجاد کرد.

یادتان است برای دو همسفر، چه تستی از حیایی گرفتید؟

تست‌های کلی گرفتم.

از شفیعی‌جم چطور؟

شفیعی‌جم انتخاب دوم ما برای بازی در نقش سعید بود. قبلا جوانی را انتخاب کرده بودیم که همبازی امین باشد. چون آن پسر گیتار می‌زد، فکر می‌کردم بهتر بتواند نقش آن جوان را بازی کند که در فیلم گیتار می‌زد. اما متاسفانه وقتی یکی دو سکانس با او کار کردم، دیدم گیتار زدن که ملاک خوبی برای بازیگری نیست. او آن حسی را نداشت که خداوند باید در نهاد یک بازیگر قرار داده باشد. او درک می‌کرد که من چه می‌گویم و چه می‌خواهم، اما قابلیت انتقال آن را نداشت. دیدید به بعضی از بازیگران می‌گویند فتوژنیک؟ یا می‌گویند فلانی استعداد خاص و خدادادی دارد؟ این بنده خدا این‌طوری نبود. خدا حفظ کند جمشید آریا (هاشم‌پور) را، من در فیلم «گروگان» با او کار کردم. بعضی‌ها همان موقع می‌آمدند و می‌گفتند چرا اینقدر پارتی‌بازی؟ من در جواب آنها می‌گفتم انصاف داشته باشید. خودتان بیایید پشت ویزور دوربین و آن برگشتن و نگاه کردن‌های خاص جمشید را ببینید که چطور به دل آدم می‌چسبد. این که دیگر پارتی‌بازی نیست. من چه بده‌بستانی با این بازیگر دارم؟ این توانایی است که خداوند در وجود او نهاده؛ اول این‌که فتوژنیک است، دوم این‌که حس را به خوبی انتقال می‌دهد. شاید خیلی از بازیگران سوادشان بیشتر از جمشید باشد، اما آن دلچسبی که در وجود اوست و شما آن را روی پرده سینما می‌بینید، در آنها وجود ندارد. خدابیامرز مهدی فتحی هم همین‌طور بود که در فیلم «در آرزوی ازدواج» بازی کرده بود. آن زمان یک عده می‌گفتند او بازیگری است که خیلی اذیت می‌کند و گرفتار است و همسرش هم تازه فوت شده و بحث دخترش مهرگان هم بود، اما با همه اینها، خدایی وقتی او را از پشت ویزور دوربین نگاه می‌کردم، می‌گفتم به جز فتحی چه کسی می‌توانست این نقش را بازی کند. او به خوبی حس را به تماشاگر منتقل می‌کرد. امین حیایی هم این‌طوری است. برای بازی در دو همسفر، تست‌های مختلفی از او گرفتم. احتمالا ندانید که خانم قاسمی قرار بود نقش دکتر رادمنش را بازی کند. چون من خیلی به خانم نادره (حمیده خیرآبادی) ارادت داشتم، دوست داشتم خانم قاسمی در این فیلم باشد. جلوتر که رفتیم، خانم قاسمی، امین را معرفی کرد. او در کلاس‌های بازیگری خانم قاسمی حضور داشت و تئاتری هم با او کار کرده بود. وقتی از امین تست می‌گرفتم، خیلی از او راضی بودم. اما در ادامه خانم قاسمی به دلیل تاخیر در تولید فیلم و تعهدی که از قبل برای بازی در تئاتر داشت، با ما خداحافظی کرد و در نهایت قرعه فال به نام زنده‌یاد خانم هما روستا افتاد. چقدر هم خوب در نقش دکتر رادمنش بازی کرد. البته بگویم که دو سه بار دعوایمان هم شد که با وساطت همسرش مرحوم حمید سمندریان، این همکاری ادامه پیدا کرد. آقای سمندریان یکی دو بار آمدند سر صحنه و با هم گفتمان کردیم. ایشان از من پرسید دلخوری شما از هما روستا چیست؟ من هم گفتم دلخوری من این است که ایشان، گذشته را رها نمی‌کند و به ذهنیاتی که دارد، چسبیده است. شخصیت دکتر رادمنش با تربیت خانم روستا در شوروی و زندگی ایشان در آلمان، فرق می‌کند. رادمنش یک زن ایرانی و خاص و جنوب شهری است که دکتر شده است. من دوست داشتم رفتار این شخصیت در فیلم، مردمی‌تر و «اکت»هایش بیرونی‌تر و کمی از این حرکات اره‌ای به دور باشد. چون من به خانم روستا می‌گفتم، حرکات دست شما اره‌ای است! و این حرکات را دوست ندارم، اگر می‌شود کمی ملایم‌تر و ایرونی‌تر بازی کنید و زن ایرانی، اینطوری نیست و از اینجور دعواها.



یعنی اختلافات و دعواهایی صرفا کاری و مربوط به شیوه‌های بازیگری.

دقیقا. وگرنه اخلاقشان که ۲۰ بود. به هرحال خانم روستا از این اختلاف نظر ناراحت بود و این را به آقای سمندریان منتقل کرد و گفته بود من به این «پسره» اعتماد ندارم و از من می‌خواهد این‌طور بازی کنم. سمندریان هم یک روز آمد که با هم گپ بزنیم. من هم روحیه و نگاهم را به آقای سمندریان توضیح دادم. در آخر آن جلسه گفت از فردا صبح خانم روستا همان کسی است که تو می‌خواهی. (می‌خندد) خیلی بامزه بود.

احیانا برای دو نقش شهرام و سعید که امین حیایی و رضا شفیعی‌جم آن را بازی کردند، به فکر بازیگران چهره‌تر نبودید؟

نه، دوست داشتم جوان‌های ناشناسی باشند و اصلا دوست نداشتم این دو نقش برجسته شود. این نقش‌ها زیرپوستی بود، ضمن این‌که بستر فیلم هم سیاسی بود و اگر من بازیگر چهره برای این نقش‌ها انتخاب می‌کردم، اتفاقات بدتر از این برای فیلم می‌افتاد. با این حال فیلم یک سال توقیف و دوبله شد و برخی صحنه‌هایش تغییر کرد.

با وجود دوبله، جالب است حیایی و شفیعی‌جم جوان به جای خودشان حرف زدند.

بله.

اما صدای بازیگران پیشکسوت مثل جمشید اسماعیل‌خانی و هما روستا دوبله شد.

نمی‌دانم جمشید اسماعیل‌خانی نمی‌توانست یا سر سریالی بود. به هرحال هرچه بود حسین عرفانی به جایش صحبت کرد و خانم شهلا ناظریان هم جای خانم روستا حرف زد. با این همه اگر فیلم سانسور نمی‌شد، به نظرم یکی از کمدی‌های سیاه ماندگار می‌شد.

برگردیم به امین حیایی. پس پیش‌بینی می‌کردید این بازیگر در سینما موفق شود؟

واقعا بله.

بعد از سریال آپارتمان هم به او نقش دادید.

بله. در فیلم مجردها هم قرار بود نقشی به رضا شفیعی‌جم بدهم. حتی آمد و گفت خیلی دوست دارم در این فیلم باشم، اما قراردادی دارم که پنجشنبه و جمعه‌ها باید برای کارهایی اجرایی به شهرستان‌ها بروم. ولی تهیه‌کننده فیلم آقای شهیدی چنین چیزی را قبول نکرد.

احتمالا همان نقش کمیکی بود که مجید صالحی آن را بازی کرد؟

شاید.

شما در چند نوبت با بازیگران جوانی کار کردید که بعدا هرکدام به چهره‌ای شناخته شده تبدیل شدند، همین همسفر یا سریال یک مشت پرعقاب که ساره بیات جوان در آن بازی می‌کرد.

بله. سریال آپارتمان هم همین‌طور بود. فیلم اولم روزهای انتظار هم این ویژگی را داشت. گوهر خیراندیش و فرشته صدرعرفایی برای اولین بار آنجا در سینما معرفی شدند.

فکر می‌کنید امین حیایی طی این سال‌ها مسیر صحیحی را طی کرده؟

امین بعدها ثابت کرد مرد هزارچهره سینماست. ما دیگر چیزی نمی‌توانیم به او بگوییم. او همه مسیرها را با موفقیت طی کرد و خدا را شکر که یکی از چهره‌های ماندگار سینما شد. در تلویزیون هم که کارهای خیلی خوبی از او باقی مانده است. استعداد و توانایی خودش بود که این موفقیت را رقم زد، ما صرفا وسیله‌ای سر راه او بودیم که این فرصت را ایجاد کنیم.

یک چراغ معمولا سفید

یکی از برجسته‌ترین حضورهای متاخر امین حیایی، حضور او میان ترکیب داوران برنامه رقابتی عصر جدید در تلویزیون است. حیایی به گواه قسمت‌های مختلف برنامه و تایید تماشاگران، مهربان‌ترین داور برنامه است. برخلاف آریا عظیمی‌نژاد که دستش معمولا روی دکمه قرمز برای اعطای رای منفی است، برعکس رویا نونهالی که ملاحظاتی برای رای دادن دارد و فارغ از نظر و تحلیل‌های آکادمیک سیدبشیر حسینی، حیایی با دلش و تجربیاتش تصمیم می‌گیرد. احتمالا مسابقاتی را به یاد دارید که سه داور، شرکت‌کننده را مستحق چراغ قرمز دانسته‌اند، اما حیایی از روی مهربانی و دلسوزی و با وجود بی‌تاثیری یک چراغ سفید، دلش نیامده رای منفی بدهد. حیایی به‌جز مهربانی ذاتی، در اینجا نیم نگاهی هم به محبوبیت و وجه مردمی‌اش دارد و تا جایی که بشود، حاضر به تخریب و خدشه‌دارکردن آن نیست.

در ضمن معمولا این حیایی است که با شوخ طبعی‌ها و بازیگوشی‌ها و متلک‌ها و کنایه‌هایش، مفرح‌ترین و شادترین لحظات برنامه را ایجاد می‌کند و خنده به روی لب حاضران و تماشاگران می‌آورد. او احتمالا مهم‌ترین داوری است که برخی شرکت‌کنندگان برای مشارکت روی او حساب ویژه‌ای باز می‌کنند و حیایی هم معمولا جواب منفی نمی‌دهد و نمک وارانه با شرکت‌کننده‌ها همراهی می‌کند. حضور حیایی در مسابقه استعدادیابی عصرجدید و تاسیس آکادمی بازیگری توسط او، ما را به یاد کشف استعداد خودش ابتدای دهه ۷۰ می‌اندازد. اگر تحصیل در رشته کامپیوتر را ادامه می‌داد و آن را رها نمی‌کرد و محل خدمت سربازی‌اش در مرکز هنرهای نمایشی عقیدتی - سیاسی نیروی هوایی نبود و ثریا قاسمی سر راهش قرار نمی‌گرفت، استعداد بازیگری‌اش را کشف نمی‌کرد و او را برای بازی در فیلم دو همسفر به اصغر هاشمی معرفی نمی‌کرد، حالا سینما و تلویزیون ایران یک امین حیایی دوست داشتنی کم داشت. حتما خودش هم به اینها فکر می‌کند که چندان قاطعانه دستش به چراغ قرمز و رای منفی نمی‌رود و مهربانانه ترجیح می‌دهد کورسوهای امید شرکت‌کنندگان را زنده نگه دارد.



گالری حیایی

۱ این تصویری از فیلم شب، ساخته رسول صدرعاملی است؛ فیلمی یکسره خوش‌یمن برای حیایی. با دو غول بازیگری یعنی عزت ا... انتظامی و خسرو شکیبایی همبازی بود و سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول مرد بیست و ششمین دوره جشنواره فیلم فجر را به خانه برد. یک بازیگر دیگر چه می‌خواهد؟





۲ یکی از متفاوت‌ترین نقش‌های کارنامه حیایی در شعله‌ور است. او در نقش یک آدم حسودِ به هیچ جا نرسیده، درخشان و مثال‌زدنی ظاهر می‌شود. به جز آن، لحظات کوتاه آشنایی با دختر متادون فروش و دلبری طنازانه از او که از کنترل حمید نعمت ا... و خودش خارج شده، حیایی تقریبا هیچ نشانی از نقش‌های همیشگی‌اش ندارد. حیایی برای بازی در این فیلم و نقش فرید، برنده دیپلم افتخار بهترین بازیگر نقش اول مرد سی و ششمین دوره جشنواره فیلم فجر شد.



۳ حیایی از مهم‌ترین ستاره‌های پویافیلم است و اصلا آن شمایل تیپیکال بامزه‌اش در محصولات مفرح و سرگرم‌کننده این شرکت فیلمسازی به تهیه‌کنندگی محمدحسین فرحبخش و عبدا... علیخانی شکل گرفته. ۱۰ فیلمی که حیایی برای پویا فیلم بازی کرد، اینها هستند: دو روی سکه، تکیه بر باد، رز زرد، کما، عروس فراری، شارلاتان، مهمان، زن‌ها فرشته‌اند، سلام برعشق و رژیم طلایی.



۴ این بازیگران را می‌شناسید؟ خب، یکی که امین حیایی است و آن یکی هم رضا شفیعی‌جم (در تیتراژ با نام احمدرضا شفیعی) که برای اولین بار سال ۱۳۷۰ و با فیلم دو همسفر اصغر هاشمی به تماشاگران معرفی می‌شوند.



۵ این هنر مهرجویی است که در مهمان مامان با تراشیدن تیپ همیشگی امین حیایی، دکتری بامزه از او می‌سازد.



۶ آن خواننده و ویلونیست مقیم لس‌آنجلس را فراموش کنید. ما یک بیژن مرتضوی دیگر هم داریم که امین حیایی در اخراجی‌ها ساخته مسعود ده‌نمکی آن را بازی کرد. البته او اینجوری خودش را موقع اعزام به جبهه معرفی کرد، وگرنه رفقا راحت‌تر بودند که او را بیژن قالپاق بزغاله صدا بزنند!